بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 10 بهمن 1394

بحث در مورد محمد بن مروان بود و اینکه مراد از محمد بن مروان در روایاتی که مستقیم یا با یک واسطه از امام باقر یا امام صادق نقل می کند چه کسی است. برای روشن شدن اینجور بحث ها چند مرحله، مرحله کلی بحث را باید دنبال کرد. مرحله اول عنوان هایی که به نام محمد بن مروان در کتب رجالی وارد شده است، این عنوان ها را آدم فهرست کند. رجال شیخ، فهرست شیخ، رجال کشی، اینها محمد بن مروان هایی که هست آنها را فهرست کند و ارتباطات آنها را با همدیگر دنبال کند و ببیند که آیا آنها با همدیگر ارتباط دارند یا ندارند. یعنی مرحله اول اطراف تردید را تعیین کند سعی کند اطراف تردید را کم کند. یکی از راه های کم کردن اطراف تردید این است که بعضی از این عناوینی که با هم دیگر یکی هستند وحدت این عناوین را روشن کند. بعد از آن ببیند که آیا همه این افرادی که باقی می مانند می توانند مراد باشند یا قرینه ای بر تعین یکی از این افراد پیدا می کنیم. کلا روش یک سری مراحلش است.

ما در اینجا در جلسه قبل عنوان هایی که به نام محمد بن مروان وجود داشت ذکر کردیم. برای تشخیص که این عنوان آیا با هم یکی هستند یا خیر باید طبقه این افراد را می شناختیم. خب دو نفر در رجال فهرست شیخ وجود داشتند یکی به عنوان محمد بن مروان ذهلی و یکی محمد بن مروان مطلق. در مورد هر دو اینها یک اشکال مشترک بود که در سندش حمید واقع شده بود در طریقش و اسنادی که در طریقش حمید وارد است برای شناخت طبقه معنونین به درد نمی خورد. و توضیحی که در جلسه قبل دادم. بنابراین، این محمد بن مروان ها می توانند محمد بن مروان های دیگر باشند و اینکه جدید باشند و اینها، این ثابت نیست ولی ظاهرا به خصوص محمد بن مروان ذهلی این تعبیر خاص، هم محمد باشد اسم پدرش هم مروان باشد ذهلی هم باشد کتاب داشته باشد و در اسناد ما وارد شده است خب خیلی مستبعد هست این ظاهرا همان محمد بن مروان ذهلی هست که در رجال شیخ ترجمه شده است و مشکل طبقه اش هم به جهت همان بحث ارسال هایی که در روایت حمید واقع هست به آن جهت. خب پس ما در فهرست شیخ شخص جدیدی نداریم. سه نفر در اصحاب الباقر هستند، دو نفر در اصحاب الصادق رجال شیخ هستند و یک نفر در رجال کشی صریحا هست و یک نفر هم ضمنا اشاره شده است. اینها افرادی هست که باقی می مانند. آن که در رجال شیخ در اصحاب الباقر به عنوان محمد بن مروان بصری هست، آن حالا می تواند یکی از دو نفری باشد که در اصحاب الصادق به عنوان محمد بن مروان بصری وارد شده است. یکی محمد بن مروان بصری ای که یروی عنه اسید بن زید یکی محمد بن مروان ذهلی بصری. این باید یکی از این دو تا باشد. شخص دیگر خیلی مستبعد هست. این دو تا هم اگر آن محمد بن مروانی که استاد اسید بن زید هست کس دیگری غیر از ذهلی باشد، راوی گمنامی است. کأنه یک راوی بوده است که هیچ مشخصه ای نداشته و تنها مشخصه اش به جهت شاگردش بوده است. یروی عنه اسید بن زید برای ذکر مشخصاتش بوده است. اگر آن کس دیگری غیر از ذهلی باشد، یک شخص غریبی و گمنامی است و عنوان های مطلق، مراد او نیست. خب این آن محمد بن مروان مدنی هم که در اصحاب الصادق هست شخص گمنامی است. آن مراد از محمد بن مروان های مطلق نیست. البته یک توضیح کلی که نحوه استدلال دارد و بعدا همین امروز عرض می کنم.

پس بنابراین ما در واقع در اسناد خودمان سه تا محمد بن مروان باقی می مانند. یکی محمد بن مروان کلبی. که در اصحاب الباقر ذکر شده است. یکی محمد بن مروان ذهلی بصری این دوتا. یکی محمد بن مروان سدّی که ضمنا در رجال کشی به اسم او اشاره شده است و گفته شده است که محمد بن مروان بصری او نیست. محمد بن مروان سدّی کسی است که کتاب تفسیر محمد بن صائب کلبی را نقل می کند. این محمد بن مروان سدی در رجال عامه ترجمه شده است. شرح حالش هست روات، مروی عنه، خیلی شرح حال مفصلی از او در کتاب های مختلف آنها دارد. خصوصیاتش را دارند و من نمی خواهم همه ویژگی هایش را ذکر کنم و بعضی هایش را بعدا ذکر می کنم. نکته ای که اینجا در مورد محمد بن مروان سدّی در بعضی از کتاب های آنها ذکر شده است که به درد ما می خورد این است که در ضعفای عقیلی در مورد محمد بن مروان سدی می گوید مولی الخطابیین یقال له الکلبی. به عنوان محمد بن مروان کلبی. بعد عبارت هایی از ائمه رجالشان ذکر می کند که آنها با تعبیر محمد بن مروان کلبی از او یاد کرده اند. پس بنابراین این احتمال اینجا ایجاد می شود که محمد بن مروان کلبی ای که در اصحاب الباقر ذکر شده است همان سدی باشد. بنابراین این سه عنوانی که ما داشتیم بشود دو تا عنوان. ولی ظاهرا محمد بن مروان سدی از اصحاب الباقر علیه السلام نیست. طبقه محمد بن مروان سدی را که در رجال عامه ذکر کرده اند، طبقه اش سازگار نیست که از اصحاب الباقر باشد. از چند طریق می شود این مطلب را بیان کرد. یکی از طریق تاریخ وفات تقریبی که برایش ذکر کرده اند.

یک نکته بگویم ما دو تا سدی داریم. یک سدّی کبیر داریم و یک سدّی صغیر. سدّی کبیر جد این محمد بن مروان است. این محمد بن مروان مشخصه کاملش را من عرض کنم. « محمد بن مروان عبدالله بن اسماعیل بن عبدالرحمن سدّی». سدی کبیر آن اسماعیل بن عبدالرحمن سدّی آن جد هست. اسماعیل بن عبدالرحمن سدّی آن سدّی کبیر است. سدّی صغیر همین محمد بن مروانی هست که در بحث های ما وارد شده است.

از چند جهت می شود استبعاد کرد که این محمد بن مروان سدی از اصحاب الباقر باشد. یکی اینکه در شجرات الذهب تاریخ وفاتش را می گوید در سال 189 یا حدود 189 از دنیا رفته است. خب 189 با 114 که تاریخ وفات امام باقر علیه السلام هست فاصله خیلی زیادی دارد. 75 سال فاصله بین وفات استاد و شاگرد خیلی مستبعد است. این یک نکته.

نکته دوم اینکه یعقوبی این محمد بن مروان سدی را که ذکر می کند می گوید از فقهای ایام مهدی عباسی و فقهای ایام هارون هست. مهدی عباسی متوفی 169 است هارون متوفی 192 است. فقهای این دوره. آن با همان حدود 189 که شجرات الذهب ذکر کرده است سازگار است. این هم دو نکته

نکته سوم از طریق شاگرد های محمد بن مروان سدی. ببینیم شاگردانش طبقه اش چه شکلی است. من تقریبا از قدیمی ترین شاگرد،، شروع کردم راویان محمد بن مروان سدی را لیست کردن. این راویان یک سری اش در کتب عامه هست و یکی سری اش در کتب ما به عنوان محمد بن مروان سدی، یا با تصریح به سدی یا با توجه به روایتش از محمد بن صائب کلبی. چون محمد بن مروان سدی راوی محمد بن صائب کلبی است. با توجه به این یکی دو تا قرینه ای که حالا یا تصریح یا به جهت مروی عنه، این محمد بن مروان سدی را اول شناختیمش بعد لیس رواتش را در آوردم در این لیست روات جستجو کردم ببینم تاریخ وفاتشان چطوری است. لیست شاگردان محمد بن مروان سدی را دنبال کردم. دیدم که حالا من شاگردانش را یک سری اش را ذکر می کنم ببینیم آیا یک همچین شخصی می تواند از اصحاب الباقر علیه السلام باشد؟ شاگردان محمد بن مروان سدی یکیش نصر بن مزاحم است که قدیمی ترین آنها است متوفی 212. عبدالملک بن قریب اصمعی 216 یا 217. هشام بن عبید الله بن رازی 221. علاء بن امر الحنفی 227. یوسف بن عدی 230 یا 232 یا 233. ابو ابراهیم ترجمانی اسماعیل بن ابراهیم 236. علی بن اسحاق حنزلی سمرقندی 237، محمد بن عبید محاربی 245 یا 251. حسن بن عرفه 257. البته این حسن بن عرفه را در شرح حالش گفته اند که خیلی معمر بوده است. این خیلی 257، آن برا باید کلا از این محاسبات کنار گذاشت. یک تاریخ تقریبی وفات مشایخ راویانش را که شما در نظر بگیرید متوسطش چیزی حدود 230 در می آید. کسی که شاگردانش حدودا 230 از دنیا رفته باشند خودش باید همان حدود 190، حالا چهل سال قبل از شاگردانش از دنیا رفته باشد و چهل سال هم فاصله طبیعی است بین شاگرد و استاد. آن هم حدود 190 که آن 289 شجرات الذهب ذکر کرده بود، معذرت می خواهم 190. حدود 190 باید وفاتش باشد. تقریب شاگردانش هم حدود 190 به دست می آید. کسی که حدود 190 از دنیا رفته باشد این که بخواهد از امام باقر علیه السلام نقل کند خیلی مستبعد است. این هم یک طریق برای شناخت.

یک راه چهارم اینجا وجود دارد همه این راهها را وقتی شما می پیدایید به یک نتیجه می رسید. نتیجه یک چیزی حدود همان وفات حدود 190 که شجرات گفته است 189 أو حدودها. 190 وفات تقریبی محمد بن مروان سدی است. این محمد بن مروان سدی از طریق استادهایش. استادهای محمد بن مروان سدی را، عمده اساتیدش سی سال وفاتشان از وفات امام باقر متأخر است حداقل سی سال. حالا من یک سری از مشایخش را ذکر کردم. جویر بن سعید، این را جزو کسانی که بین 140 تا 150 از دنیا رفته اند ذکر کرده اند. سلیمان اعمش 148. یعنی 34 سال. عبید الله بن عمر عمری که نواده های عمر خطاب هست 144 یا 145 یا 147. عمر بن میمون بن مهران 145 یا 147 یا 148. محمد بن صائب کلبی که استاد اصلی اش است 146 وفاتش است. یعنی 32 سال بعد از وفات امام باقر علیه السلام. یحیی بن سعید انصاری 143 یا 144 یا 146. ابو حیان تیمی 143 یا 145. قدیمی ترین استاد این محمد بن مروان که آن خیلی هم روایت ازش ندارد من به دست آوردم ابان بن ابی عیاش است. که ابان بن ابی عیاش تاریخ وفاتش 138 است. عرض می کنم اینها تک تکش یکی یکی، مثلا این ابان بن ابی عیاش را انقدر گشته ام تاریخ وفات برایش پیدا کرده ام. اینها خیلی راحت نیست خیال نکنید همین جوری ردیف، مثلا همین ابان بن ابی عیاش را تاریخ وفاتش را بگذارید ببینم این را از کجا من پیدا کردم.

سوال:...

پاسخ: بله در کتب عامه هست. متأسفانه این یکی را آدرسش در این برگه من نیست. نمی دانم چطور شده در این زیراکس من نیست.

سوال: از کجا فهمیده اید که شاگردش بوده است؟

پاسخ: حالا شاگرد بودنش هم خودش یک مرحله ای است. نه، استاد بودنش با تصریح است. استاد محمد بن مروان سدی عن ابان بن ابی عیاش. استادهایش را باید با تصریح باشد یا یک شاگرد شناخته شده ای از او و از طریق شاگرد این محمد بن مروان را آدم بشناسد و از طریق محمد بن مروان، آن شخص بعدی را بشناسد. یعنی یکبار باید تمام این محمد بن مروان را زیر رو کرد تا فهمید چی به چی است. اینکه عرض کردم این بحث خیلی بحث سختی است یکی از جهاتش این است که خیلی به عوامل مختلف باید آدم کاملا بپردازد و به جنبه های مختلف این بحث را دنبال کند.

این مجموعه نکاتی که آدم کنار هم می گذارد تقریبا مطمئن می شود که آن محمد بن مروان سدی جزو اصحاب الباقر نیست. حالا این را هم ضمیمه کنیم که هیچ یک از رجال عامه هم ذکر نکرده اند که جزو اصحاب الباقر در عامه یک شخص معروفی است. در هیچ سندی هم ما پیدا نکردیم به عنوان محمد بن مروان سدی از امام باقر روایت کند. ولی یک نکته ای اینجا وجود دارد و ظاهرا اگر باشد شخص دیگری است. آن محمد بن مروان کلبی اگر درست باشد شخص دیگری است. ولی مشکلی که اینجا وجود دارد این است که محمد بن مروان کلبی هم از امام باقر هیچ جا روایت ندارد. یعنی در اسناد موجود ما هیچ جایی روایت محمد بن مروان کلبی از امام باقر ندیدیم. به همین جهت این چیزهای غریبی که آدم می بایند خیلی نمی شود اینها را به نقل مثلا شیخ یا برقی اینکه یک نفر را مثلا در اصحاب الباقر ذکر کرده است بگوییم حتما ثابت است. چون خیلی از اینها برگرفته از یک سند است. یک سند محرف می تواند باشد. اطلاقات اینگونه در کتب رجال ارزشش خیلی بیشتر از ارزش یک سند موجود ما نیست. این را داشته باشید. مرحوم خوئی گاهی اوقات تصور می کنند که اینکه یک شخصی را شیخ طوسی در اصحاب الباقر ذکر می کند یک ارزش ویژه برایش قائل هستند. این خیلی ارزش ویژه ندارد که یک نفر را مثلا در اصحاب الباقر ذکر کرده اند. این می تواند ناشی از یک سند باشد که آن سند اگر یک سند قریبی باشد و احتمال تصحیف و تحریف در آن جدی باشد دیگر قابل اعتماد نیست. من قبلا این را ذکر کردم که اثرات عدم الخطا در اسناد به جهت اماریت معتبر است. در جاهایی که احتمال خطا یک احتمال جدی وجود دارد، زمینه های طبیعی خطا وجود دارد اینجا اثرات عدم خطا جاری نمی شود. این محمد بن مروان کلبی یک زمینه هایی برای اینکه اشتباه شده باشد اصلا، اصلا محمد بن مروان کلبی از اصحاب الباقر نباشد و اشتباه شده باشد کاملا وجود دارد. چطور؟ احتمالات مختلفی است. یکی اینکه ممکن است این محمد بن مروان کلبی همان سدی باشد. ولی اینکه آن را در اصحاب الباقر ذکر کرده باشند اشتباه شده باشد. آن این است که یک سدی است امام باقر روایت می کند. آن سدی که از امام باقر روایت می کند جد است. بین سدی کبیر و صغیر قاطی شده باشد. در بعضی اسناد ما روایت سدی عن ابی جعفر وارد شده است و در کافی و در بصائر الدرجات دو روایت داریم که سدی عن ابی جعفر هست و راوی اش هم سفیان بن عبینه، آن سفیان بن عبینه طبقه اش متناسب هست مراد اسماعیل بن عبد الرحمن سدی باشد که جد هست که آن از اصحاب الباقر شمرده شده است. احتمال زیاد هست که یکی از احتمالات این هست که این محمد بن مروان کلبی که ذکر شده است از باب اشتباه باشد. جدش جزو اصحاب الباقر بوده است و به عنوان السدی گفته اند و بین سدی کبیر و صغیر خلط شده است. این یک احتمال.

یک احتمال دیگر اینکه، حالا این احتمالات را یکی یکی من بحث می کنم و البته کل بحث های ریزه کاری هایش را نمی خواهم وارد شوئم. یک احتمال این است که محمد بن مروان عن الکلبی عن ابی جعفر بوده است. یک سندی محمد بن مروان عن الکلبی عن ابی جعفر بوده است و این کلبی مراد محمد بن صائب کلبی است. کلبی همان کلبی صاحب تفسیر محمد بن صائب باشد. حالا این نکته را هم در مورد کلبی بگویم. ما دو کلبی معروف داریم. یکی محمد بن صائب هست و یکی هم پسرش هست که هشام بن محمد بن صائب است که گاهی اوقات هم به ابن الکلبی در موردش گفته می شود. ولی هر دو را هم به عنوان کلبی یاد می شود. این ها چیزهای معروف هستند و پدر به خصوص در تفسیر معروف است و پسر در تاریخ. کلبی نصابه مورخ پسر است. کلبی مفسر قاری پدر است که یک قرائت مفرده هم داشته و محمد بن صائب مفسر است و اینها. این کلبی هایی که اینجا هست پدر است. پسر در این طبقه و اینها نیست. پسر در اصحاب الباقر نیست و اصحاب امام صادق هست. به هر حال این احتمال که اینجا محمد بن مروان عن الکلبی عن ابی جعفر علیه السلام باشد، این هم یک مطلب است.

سوال: ... امام صادق روایت کرده است.

پاسخ: کلبی محمد بن صائب، در مورد اینکه محمد بن صائب از امام باقر روایت دارد یا خیر، یک بحث های جدی اخیرا در گرفته است و من این رحث را یک مقداری، قبلا یک چیزهایی نوشته ام در اینجا که من در جایی روایت محمد بن صائب را از ابی جعفر پیدا نکردم ولی اخیرا یک کتاب تفسیری پیدا شده و هست، آن تفسیر وزیر مغربی است. المصابیح. در گزارشی از این تفسیر که آن آقای کریمی مشغول تصحیحش است دیده ام، آن می خواهد بگوید خیلی از منقولاتی که در این تفسیر وزیر مغربی از ابی جعفر دارد، این ابی جعفر هایش برگرفته از تفسیر کلبی است. می گوید تفسیر کلبی از امام باقر روایت زیاد داشته است و امثال اینها. من چون یک مقداری هنوز این بحث خیلی برایم نپخته است فقط اشاره به بحثش می کنم چون خود کتابش را هم ندیده ام که در موردش بتوانم اظهار نظر کنم. به هر حال روایت محمد بن صائب کلبی از امام باقر در رجال شیخ هست. در اسناد ما نیست ولی آن آقای کریمی می گوید که در این تفسیر کلبی، شواهدی می خواهد نشان دهد که اصلا کلبی مفسر عمده روایتش را از امام باقر گرفته است. این کتاب از امام باقر است و منقولات عن ابی جعفری که در این کتاب وزیر مغربی هست، ان مراد امام باقر هست و اینها. یک بحث های خیلی جدی هست تا آن کتاب چاپ نشود، البته یک چاپ ناقصی شده است و آقای کریمی مشغول مرتب و پاکیزه تر از این کتاب المصابیح مال کتاب وزیر مغربی هست و این است که این بحث را من فقط به آن اشاره کنم. به هر حال این احتمال وجود دارد که این محمد بن مروان کلبی، که از اصحاب الباقر شمرده شده است، محمد بن مروان عن الکلبی عن ابی جعفر علیه السلام بوده است و این عن بین محمد بن مروان عن الکلبی عافتاده است و شده محمد بن مروان الکلبی عن ابی جعفر علیه السلام. این هم یک احتمال.

یک احتمال دیگر اینکه نه، همین روایت های ما که محمد بن مروان عن ابی جعفر بوده است. در حاشیه یک کسی محمد بن مروان را به کلبی تفسیر کرده است و خیال کرده است که همان محمد بن مروان سدی کلبی معروف هست و اینها، این حاشیه مثلا داخل متن شده باشد. به هر حال این احتمالات و بعضی احتمالات دیگری که من در همین رساله هم در موردش صحبت کردم، اینها کاملا وجود دارد. اینکه اصلا محمد بن مروان کلبی، از اصحاب الباقر علیه السلام باشد محل تأمل جدی هست. چیزی که در هیچ جای دیگر سابقه ندارد و احتمالات کاملا منطقی و طبیعی در اشتباه شدنش وجود دارد قابل اثبات نیست. یعنی اینکه ما اصلا محمد بن مروان کلبی جزو اصحاب الباقر علیه السلام باشد اصلا قابل اثبات نیست. حالا اینکه یک کس دیگری به نام محمد بن مروان کلبی داشته باشیم، گفتیم سدی نیست. اما یک محمد بن مروان کلبی دیگر وجود داشته باشد و هیچ جایی هم از او اسمی نباشد، اینها یک احتمالات خیلی مستبعدی هست.

سوال: اینکه گفتید هیچ مشخصه ای برای محمد بن مروان در روایات ذکر نشده است...

پاسخ: حالا صبر کنید یکی یکی. اینها اول عشق است. قصه بگویم. یک بار رفته بودیم در خدمت حاج آقا می خواستیم دکتر کلانتر معتمد بود. حدود 9 شب بود و رفته بودیم حاج آقا می خواستند یک عملی کنند و قبل از عمل گفته بودند بیایید مطب ببینند و اینها و گفته بود بیایید یک جایی بیمارستان کنار اطاق عمل حاج آقا را معاینه کنند و بعد عمل شود و اینها. بعد ما با این تکنسین اطاق عمل داشتیم صحبت می کردیم گفت که ماشاالله دکتر کلانتر معتمد خیلی دکتر سرزنده و سرحالی است و ساعت 9 شب عمل دوم و سومش است گاهی اوقات 10 تا 15 تا عمل می کند. سنش هم بالای هفتاد بود. می گفت ماشاالله خیلی، بعد گفتم آره دیگه برای دکتر فعلا سر شب لات هاست. فعلا اول عشق است صبر کنید. بگذریم.

به هر حال این، تا اینجا آن که می خواهم عرض کنم این است که ما این که کسی به نام محمد بن مروان کلبی اصلا در اصحاب الباقر داشته باشیم، آن اصلا ثابت نیست و ظاهرا هم به احتمال زیاد این اشباهی رخ داده است در اینکه از اصحاب الباقر شمرده شود. اگر هم محمد بن مروان کلبی هم وجود داشته باشد یک رجل گمنامی است و اطلاقات مراد او نیست قطعا. در نتیجه او هم از دایره تردید ما خارج می شود. دو نفر محمد بن مروان باقی می ماند. بعد از این بحث ها ما داریم، عرض کردیم مرحله اول ما داریم اطراف تردید را تعیین کردن مرحله دوم تقلیل اطراف تردید هست و ما الآن در مرحله دوم هست. ما داریم تقلیل می دهیم اطراف تردید را. اطراف تردید این دو نفر هستند که محمد بن مروان سدی که در رجال کشی به اسم او اشاره شده است. و محمد بن مروان بصری ذهلی. این هم این دو نفر. عرض کردم در این طبقه یک محمد بن مروان عقیلی هم هست. عقیلی عجلی بصری، آن هیچ ما نشانه ای از اینکه در اسناد ما ارتباط داشته باشد ندیدیم. به خصوص بصری بودنش هم، بصری ها معمولا ناصبی بودند و بصره با کوفه خیلی فرق داشته است. من حالا که می خواهید قصه بگویم یکی دو تا روایت قصه ای برایتان بگویم که با قصه کمی آشنا بشوید. می گوید که

**فضيل بن يسار أيضاً قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إنّ لإمرأتي أختاً عارفة على رأينا، وليس على رأينا بالبصرة إلاَّ قليل**

که در یک نقل دیگر، یعنی بحثش این است که همین فضیل بن یسار می گوید که خواهر زنم شیعه است چه کار کنم؟ یعنی شخص درست پیدا نمی کند که به شوهر بدهد. می گوید خواهر زنم شیعه است ولی در شهر ما شیعه خیلی نادر هست.

فما تری فی تزویجها

امام علیه السلام می گوید که فقط به شیعه آن را

لا تزوجها الا ممن هو علی رأیها

یک روایت دیگر

عَنْ أَبِي مَسْرُوقٍ، قَالَ:

**سَأَلَنِي أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام عَنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، فَقَالَ لِي: «مَا هُمْ؟» قُلْتُ مُرْجِئَةٌ، وَ قَدَرِيَّةٌ ، وَ حَرُورِيَّةٌ**

یک عده از آنها مرجئه هستند یک عده طایفه اهل تسنن. یک عده قدریه هستند و آن هم یک طایفه دیگر و حروریه یعنی خوارج. خلاصه این تیر و طایفه. در شیعه خیلی کم بوده است به طوری که اصلا کأنه همه شان گویا اینها هستند که حضرت می فرماید

**فَقَالَ: «لَعَنَ اللّٰهُ تِلْكَ الْمِلَلَ الْكَافِرَةَ الْمُشْرِكَةَ، الَّتِي لَاتَعْبُدُ اللّٰهَ عَلىٰ شَيْ‌ءٍ**

یک کسی به من گفته بود که جایی دیده اید که امام علیه السلام صریحا لعن کند؟ این هم یکی از موارد. لعن اینجوری خیلی لعن سنگینی هم هست.

در کافی جلد 8 صفحه 193. این ها همه آدرس هایش هست. این هم خیلی روایت قشنگی است

**عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ وَ أَنَا أَسْمَعُ**

ابی جعفر الأحول مؤمن الطاق هست. امام علیه السلام می گوید

**أَتَيْتَ الْبَصْرَةَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَ دُخُولَهُمْ فِيهِ قَالَ وَ اللَّهِ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ وَ لَقَدْ فَعَلُوا وَ إِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ**

نمی دانم و لقد فعلو یعنی چه

سوال: ... می آیند گاهی ولی کم هستند.

پاسخ: حالا مراد این است که می آیند گاهی یا اینکه و لقد فعلوا اشاره به این هست که شیعه ها آجا فعالیت دارند مرجع ضمیر فعلوا شیعه باشد. می گوید که اصحاب شما که برای تبلیغ آنجا می روند هستند ولی خیلی اثر ندارد. و ان ذلک لقلیل، اینکه می گوید با توجه به ذیل عبارت

**فَقَالَ عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ**

به جوان ها بپردازید.

**فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ- ثُمَّ قَالَ مَا يَقُولُ أَهْلُ الْبَصْرَةِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ- قُلْ لٰا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهَا لِأَقَارِبِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ كَذَبُوا إِنَّمَا نَزَلَتْ فِينَا خَاصَّةً فِي أَهْلِ الْبَيْتِ فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ ع**

خب این هم این روایت. پس بنابراین نتیجه عرض ما این هست که ما در این طبقه اصحاب الباقر و اصحاب الصادق سه نفر معروف به نام محمد بن مروان داریم. یک محمد بن مروان عقیلی عجلی که آن عامی هست و هیچ ربطی به اسناد ما ندارد. دو محمد بن مروان عجلی بصری. سه محمد بن مروان سدی کلبی کوفی راوی از محمد بن سائر. حالا ببینیم آیا بین این دو نفر قرینه ای داریم برای تعیین مراد؟ مرحوم آقای خوئی قرینه ای ذکر می کنند برای اینکه منصرف هست به محمد بن مروان ذهلی. این را ملاحظه بفرمایید در ذیل در معجم رجال این بحث را آورده اند و انشاءالله فردا این بحث را دنبال می کنیم.

سوال: نرم افزار...

پاسخ: نه، البته نرم افزار که هست بیشتر اینها را از طریق نرم افزار دنبال نکرده ام. بیشترش در تهذیب الکلام هست. در همین برنامه های خود مرکز کامپیوتری هست ولی من بیشتر این را خیلی احتیاج به نرم افزار نداشت. از همین اطلاعاتی که در تهذیب الکمال و کتب معمولی و دم دستی شان هست مشکلش حل می شود. حالا یک زمانی نیاز به بررسی هست در این بحث نیاز نبوده است در بحث های آینده من تقریبا تمام اسناد محمد بن مروان را زیرو رو کرده ام. آنهایش را در آن بحث زیر و رو کردنش احتیاج نیست.

سوال: .. درایه النور

پاسخ: بحث خیلی خوب. جامع الکلم آخرین نسخه اش است.

سوال: در جواهر الکلام هم دیده اید

پاسخ: نه من ندیده ام. من خودم خیلی اهل مراجعه به کتب اهل تسنن نیستم. این است که در همین چیزهای عادی اش معمولا چیزشان می کنم.

سوال: همان نرم افزار نور و سیره و اینها.

پاسخ: همین ها کافی است. اگر آدم بخواهد خیلی تخصصی و حرفه ای بخواهد کار کند باید آنها را خوب بلد باشد. هم جامع الکلم و هم.... نرم افزارهای خیلی قوی هستند. البته یک بنده خدایی می گفت که من فکر می کنم اینها را از برنامه درایه النور گرفته اند. خیلی دنبال این قضیه نبوده ام.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد